

فوران

16-9-2010

دلاوران رزمنده خلق



یادی از رفیق عبدالرحیم

رفیق عبدالرحیم یکی از مبارزین ، پرکار و پر تلاش جریان دموکراتیک نوین (شعله جاوید) بود. مشارالیه در سال (1329 هجری شمسی) در یک خانواده فقیر روستائی در قریه کربولی ولسوالی پغمان ولایت کابل متولد گردید. بعد از ختم دوره ابتدائیه شامل لیسه پغمان شد. موصوف در سالهای 1347 الی 1349 یکی از شعله ای های مبارز و انقلابی جریان دموکراتیک نوین در لیسه پغمان بود که با دیگر رفقای رزمنده خویش لیسه پغمان را به کانون فعالیت های مبارزاتی جنبش دموکراتیک نوین (شعله جاوید) تبدیل نموده بودند و برضد رژیم استبدادی سلطنتی،

باندهای احزاب ارتجاعی و اپورتونیستی "اخوان" و "خلق و پرچم" در یادلانه میرزمیدند و پرده از چهره های کثیف و ارتجاعی آنها برمیداشتند. رفیق عبدالرحیم یکی از سخنرانان فعال و رزمنده جریان دموکراتیک نوین بود که به زبان های پشتو و فارسی به سخنرانی می پرداخت . مشارالیه باوجودی که از نگاه اقتصادی خیلی ناتوان بود ولی در تمام اعتصابات و تظاهرات جریان دموکراتیک نوین که در شهر کابل صورت میگرفت ، شرکت میورزید. بسیاری اوقات فاصله بین پغمان و کابل را پای پیاده طی مینمود تا در تظاهرات و اعتصابات جریان دموکراتیک نوین شرکت نماید. اوبعد از فراغت از صنف دوازدهم نسبت مشکلات اقتصادی به تحصیلات عالی خویش ادامه داده نتوانست و به حیث مامور در پوهنتون کابل مصروف کار شد . رفیق عبدالرحیم یکی از شعله ای های مبارز، صادق ، راست کار و بی آرایش بود و از اخلاق عالی مردمی و پرولتاری برخوردار بود. بعد از مرگ رفیق سیدال سخندان زمانیکه سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین به انشعاب گرائید. رفیق عبدالرحیم باوجودی که هنوز عضویت سازمان جوانان مترقی را کسب نکرده بود به دفاع از خط انقلابی سازمان و جریان دموکراتیک نوین پرداخت. وی تأکید میکرد که باید تضادها و اختلافات درون جنبش را از راه - مبارزه وحدت و مبارزه- واصل "انتقاد و انتقاد از خود" حل و فصل نمائیم و از اتهامات بی اساس و بی پایه بالای رفقا خوداری کنیم . رفیق عبدالرحیم بعد از انشعاب باوجودی که به دفاع از خط انقلابی سازمان جوانان مترقی و جریان دموکراتیک نوین پرداخت ، اما ارتباطش با سه تن از رفقایش بنا بر دلایلی که ایجاب نوشتن رساله جداگانه را مینماید با مسئول کمیته مربوطه شان قطع گردید. رفیق عبدالرحیم با وجود قطع ارتباط ، مبارزه خویش را با عده ای از رفقای همزمش بطور

مستقلانه ادامه میداد و این در شرایطی است که تشتت ، پراگندگی و اتهامات بی پایه و بی اساس با تأثیر پذیری از افکار لومپنانه پس منظر نویسان که توسط عده ای از انشعابیون حمل میگردید، بخشی از جنبش را فراگرفته بود و جنبش راز درون مثل موریانه میخورد. بعد از کودتای ننگین و شوم هفت ثور 1357 که شعله ای ها مورد حملات کین توزانه و وحشیانه باندهای مزدور و جنایت کار خلق و پرچم قرار گرفتند ، رفیق عبدالرحیم خواست که در بین مردم خویش در سمت و سو دادن جنبش مقاومت به نفع نیروهای پیشرو و انقلابی نقش مثبت ایفا نماید اما دیری نگذشت که وی مورد کین نیروهای ارتجاعی و عقب گرا احزاب اسلامی قرار گرفت و ترور گردید . رفیق عبدالرحیم به جاودانگی پیوست اما داغ وطن فروشی ، جنایت و آدمکشی تاابد بر پیشانی باندهای ارتجاعی و وطن فروش "اخوانی " و "خلقی و پرچمی" حک گردیده است. دفاع از دلاوران رز منده خلق یک امر تشریفاتی نیست که با حلوا کردن ، دعاکردن و نفرین کردن صورت گرفته و خاتمه پیدا نماید ، بلکه دفاع از آنها یک امر انقلابی است و باید خاطره مبارزات مترقی و انقلابی آنها را گرامی بداریم؛ شجاعت ، دلاوری و رزمندگی آنها را سرمشق مبارزات انقلابی آینده خویش قرار دهیم . از کاستی ها و کمبودی ها و اشتباهات جنبش در گذشته بیاموزیم. با گرایشات تسلیم طلبانه ، اپورتونیستی، رویزیونیستی، سکتاریستی و برخورد های های لومپنانه، مبارزه جدی و ایدئولوژیکی نمائیم و تمام نیرو و توان خود را برای سازماندهی و بسیج نیروهای انقلابی ، ملی و ضد امپریالیستی صرف نمائیم تا کشور خود را از چنگال خونین امپریالیسم و ارتجاع بین المللی و مزدوران داخلی آنها نجات دهیم و یک دولت مترقی ، ملی و مردمی را ایجاد نمائیم.

